

سخنرانی ویلیام (بیل) کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در همایش اجلاس هزاره سران ملل متحد ۶ سپتامبر ۲۰۰۰



آقای رئیس مجمع عمومی

آقای دبیر کل

رهبران همقطار من

میزبانی گرد همایی بی سابقه سران کشور های جهان در ایالات متحده، افتخار بزرگی است. ما در زمانی این جا گرد آمده ایم که بیشتر مردم جهان بیش از گذشته به کامیابی، آزادی، و دموکراسی نایل آمده اند. ما توانسته ایم رمز ژنتیکی انسان (ژنوم) را کشف کنیم؛ به مرز های جدیدی در علم گام نهیم؛ بابه‌ره مندی از فن آوریهای خارق العاده جدید، بیش از پیش به هم نزدیک شویم ولی با این حال، آن طور که دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود به اجلاس هزاره یادآور شد، هنوز مهمترین مشکل ما - یعنی رهایی انسانها از فقر، بیماری، جنگ و جلوگیری از تخریب محیط زیست - حل نشده باقی مانده است. و این در حالی است که سازمان ملل متحد برای رفع این مشکلات می تواند بیش از همه کارآیی داشته باشد. ولی، امروز من می خواهم به یک بخش از مشکلات موجود اشاره کنم که در عین حال، به دیگر

مشکلات ما گره خورده است؛ و آن مسئله کوشش در راه برقراری و حفظ صلح است.

پنجاه و پنج سال قبل، سازمان ملل متحد با این هدف تاسیس شد که «سپلهای آینده را از بلایای ناشی از جنگ برهاند.» و امروز ما که اولین نسل بعدی هستیم، در حالی این جا گرد آمده ایم که بیش از هر زمان و بیش از تعداد انسانهایی که در گذشته می توانستند در یک مکان برای برقراری صلح گرد هم آیند، قدرت برقراری صلح را داریم؛ ولی آیا امکان دارد بتوانیم در حال حاضر به این مهم دست یابیم؟

امروزه در مقایسه با گذشته، جنگهای کمتری بین کشورها جریان دارد، اما جنگهای داخلی به مراتب بیشتر شده است. جنگهای داخلی که عمدتاً به دلیل اختلافات قومی یا مذهبی رخ می دهد، تنها در دهه ۱۹۹۰، جان حدود ۵ میلیون انسان را گرفته است که بیشتر این قربانیان واقعاً بی گناه بوده اند. این وضعیت، مسایلی را به صورت جدی فرارویمان قرار می دهد که مهمترین آنها، احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهاست، ولی نمی توان مشخص کرد که با کدام حربه می شود از مردم کشورها نیز همانند مرزها حفاظت کرد؛ با روشهای دیپلماتیک، یا استفاده از نیروهای نظامی بین المللی؟ و چگونه؟

گذر ایام در قرن گذشته، این درس را به ما آموخت که: بعضی اوقات لازم است جامعه بین المللی از بی طرفی دست بردارد و حتماً به حمایت از یک طرف برخیزد، زیرا اگر خیر و شر درهم آمیختند، گاه ممکن است یک بی تفاوتی با طرف شرور متحد شده باشد. چنان که ما با چنین وضعی روبه رو بوده و یک بار آن را در مورد «اسلوبودان میلوشویچ» آزموده ایم؛ همان کسی که قصد داشت آخرین فصل کتاب قرن بیستم را با کشتار نژادی به پایان برساند. ما حدود ده سال این تجربه را در مورد عراق داشته ایم، که البته سازمان ملل توانست با طرح برنامه های بسیار دقیق مشخص کند که درباره عراق چگونه باید عمل شود. چنین اقداماتی باید کاملاً مورد حمایت قرار گیرد تا اعتبار سازمان ملل متحد به خطر نیفتد.

در کشور برمه نیز امروز ما با یک مورد اخلاقی روبه رو هستیم. در آن جایک رهبر مردمی که همواره با روشهای صلح آمیز برای مذاکره با مخالفانش کوشا بوده، بار دیگر بازداشت و همراه طرفدارانش زندانی شده است و نیز در کشورش وضعیت آشفته ای پدید آمده

است. همه این نابسامانیها علی رغم صدور قطعنامه های مکرر شورای امنیت رخ داده، پس ما نمی توانیم در قبال هر یک از این رویداد هاساکت بمانیم.

زمانی که رهبران جهان همه فرصتهای برقراری صلح را نادیده می گیرند، تاریخ متوقف می شود... ولی بعد از مدتی، تاریخ در مسیر جدیدی مجدداً سیر خود را آغاز می کند، و این البته در زمانی است که حمایتهای خارجی، بویژه از سوی کشورهای عضو سازمان ملل متحد از اهمیت فراوانی برخوردار باشد.

امروز از سازمان ملل به مراتب بیش از گذشته برای حضور در مناطقی که دچار بی ثباتی شده اند دعوت می شود. در همان مناطقی که رهبران با شهامت به دنبال آشتی هستند، ولی دشمنان صلح به ضدیت با هرگونه مسالمت جویی می اندیشند. در همین مناطق است که باید به تاسیس نهادهای اجتماعی و اقتصادی همت گماشت تا امید به صلح، زنده بماند.

در تی مور شرقی، اگر سازمان ملل دخالت نمی کرد، مردم آن جا هرگونه شانسی را برای رقم زدن آینده خود از دست می دادند و سازمان ملل این کار را علی رغم نداشتن حربه های لازم پیشگیری از ناهنجاریهای پس از فراندوم مردم در مورد استقلال تی مور شرقی، انجام داد. یا در سیرالئون، اگر سازمان ملل متحد دخالت نمی کرد، تعداد بی شماری از کودکان که امروز زنده هستند، به دست آدمکشان از بین می رفتند. در حالی که سازمان ملل در سیرالئون از ابزارهای لازم برای جلوگیری از اقدامات گروههای آدمکش برخوردار نبوده است.

ما به وسایل و ماشین آلات بهتری نیاز مندیم تا مطمئن باشیم که ماموران حافظ صلح سازمان ملل قادرند به سرعت وارد عمل شوند و با برخورداری از بهترین آموزشها و امکانات، همانند یک نیروی معتبر انجام وظیفه کرده، ماموریتهایی را به اجرا در آورند که به وسیله ستادهای مجرب، به دقت طراحی و ابلاغ شده است. برای رسیدن به این هدف، البته لازم است نیروهای پلیس غیر نظامی نیز به گونه ای موثر در ماموریتهای سازمان ملل متحد به کار گرفته شود.

ما همچنین با تشخیص ارتباط قوی بین دو پدیده «محرومیت» و «جنگ»، باید به گونه

ای عمل کنیم که همراه با پشتکار و ابراز حساسیت در پیشگیری از کشمکشها، در پی اقدامات عدالت طلبانه نیز باشیم. در بسیاری مناطق، برای کودکانشان، دستیابی به سلاح آسانتر از یافتن کتاب درسی است. بنابراین، یکی از ابتکارات ما باید این باشد که حداقل برای ۹ میلیون کودک در سراسر جهان، غذای رایگان فراهم شود و خانواده‌ها را ترغیب کنیم تا پسران و دخترانشان را به مدرسه بفرستند.

امروزه بسیاری از کشورها گرفتار مسئله بازپرداخت وام‌های خارجی هستند و ما باید تمام هم خود را - چه در سازمان گروه هفت (G 7) و یا دیگر وام دهندگان - به کار گیریم تا از مقدار قروض کشور‌های در حال توسعه کاسته شود و آنها پولهایشان را در راه سرمایه گذاری برای تامین نیازهای اساسی خود به کار گیرند. بسیاری از این کشورها دچار امواج هلاکت بار بیماری‌های عفونی مثل مالاریا، سل و ایدز هستند که مجموعاً عامل یک چهارم کل تلفات انسانی در جهان محسوب می شود. به همین جهت، لازم است بایکدیگر تشریک مساعی کنیم تا برای پیشگیری از گسترش این بیماریها هر چه بیشتر به تولید دارو و واکسنهای مختلف افزوده شود.

ما همچنین باید اقداماتی به عمل آوریم که جریان پول برای تقویت مالی کشمکشهای ددمنشانه در جهان قطع شود. ولو این اقدام برای تجارت، خسارتبار باشد و مثلاً به صنعت الماس در آفریقا یا تجارت مواد مخدر در کلمبیا ضربه بزند، ولی به هر صورت باید انجام پذیرد. در عین حال نیز لازم است برقراری دموکراسی را تشویق کنیم و این اقدام را نه به آن جهت انجام دهیم که دموکراسی، بهترین سیستم حکومتی است، بلکه چون دموکراسی را بهترین سیستم برای جلوگیری از کشمکشها می دانیم.

این کوششها، بهایی دارد که همه ملتها، به علاوه ملت من، بایستی آن را بپردازند و خود را موظف بدانند که تعهدات ما را در قبال سازمان ملل درک کنند. و همچنین، توجه داشته باشند که هر ملتی بیشتر حامی سازمان ملل باشد، تعهداتش در این زمینه افزونتر است. اگر ضرورت دارد که سازمان ملل متحد در راه خواسته های ما پیش برود، لازم است در ساختار مالی سازمان اصلاحاتی صورت بگیرد. آنهایی که باورشان شده ما می توانیم

خواسته هایمان را به سازمان ملل تحمیل کنیم و یا بدون وجود سازمان ملل کاری از پیش ببریم کسانی هستند که از تاریخ پند نگرفته اند و یا درکی از آینده ندارند.

دوستان من!

خونبارترین جنگها در تاریخ بشر، طی قرن گذشته رخ داده است و اینک فرصتی برای آغاز یک دوران تازه، فرا رویمان قرار دارد. آیا می توانیم از این فرصت جدید برای برقراری صلح و آرامش در جهان بهره بگیریم؟ پاسخ این است که: نباید منتظر ماند تا چیزی به ما الهام شود؛ باید آنچه را می خواهیم با توسل به قدرت ملت هایمان بیافرینیم. به تصور ما آنچه در تاریخ باقی می ماند، نتایجی است که از عکس العمل های ما در قبال مسایل به دست آمده است. در حالی که به تصور نسل های آینده، آنچه در زمان ما روی داده، نتیجه عمل کرد های ماست، نه عکس العمل های ما.

بگذارید نسل های آینده در کتاب های تاریخ بخوانند که امروز ما در یک لحظه سرنوشت ساز این جا گرد هم آمدیم و تصمیم گرفتیم وضع دنیا را تغییر دهیم.

با آرزوی توفیق الهی، از همه شما متشکرم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی